

## **The movement of the nationalization of the oil industry was a socio-political movement**

### Abstract

The movement of the nationalization of the oil industry was a socio-political movement which was in line with the rule of national independence. The nationalization of the oil industry began in 1949 with the formation of the National Front. The aim of this movement was to dominate national resources and interests and to cut off foreigners from domestic affairs, which was accepted and supported by the majority of the people from the National Front, premiership of Mossadegh, and to advance the decision to nationalize the oil industry. Markets and merchants, as part of the active socio-economic forces of Iranian society, supported the movement through political activity in the nationalization of the oil industry. The question of the present study is what were the motives and goals of traders and marketers in supporting the nationalization of the oil industry? The hypothesis of this study is that traders and markets analyzed the nationalization of the oil industry in favor of domestic trade and commerce. The research method in this article is historical (inductive), the method of collecting information is documentary and library and writing method is descriptive-analytical. The findings of the study indicate that merchants and bazaars in the crisis and revolution periods, have provided economic support to traditional political forces, in this regard, many markets were with Mossadegh during his premiership and also supported him after the coup. Regarding the چکیده

reaction of the bazaars, it should be said that small producers and exporters supported Mossadegh, but importers, due to the decrease in imports, were usually considered his opponents.

**Keywords:** Merchants, Markets, Second Pahlavi, Dr. Mohammad Mossadegh, Oil Industry, Nationalization

**نقش بازاریان (کسبه) و تجار در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران**زهرا جواهری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

سینا فروزش<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۳

غلامحسین زرگری نژاد<sup>۳</sup>**چکیده**

نهضت ملی شدن صنعت نفت از حرکت‌های سیاسی و اجتماعی بود که اهداف خود را در راستای حاکمیت استقلال ملی تعریف کرد. این جریان در سال ۱۳۲۸ هـ ش با تشکیل جبهه ملی آغاز شد. انجام این کار به قصد احاطه بر منابع ملی و کوتاه کردن دست بیگانگان از امور داخلی مورد استقبال مردم قرار گرفت و همچنین مشارکت سراسر را از جبهه ملی و نخست‌وزیری مصدق به دنبال داشت. بازاریان به‌عنوان بخشی از قدرت اقتصادی و اجتماعی پرکار در جامعه ایران به پشتیبانی پرداختند. مسئله تحقیق حاضر این است که انگیزه و اهداف تجار و بازاریان در حمایت از آن چه بود؟ فرضیه تحقیق حاضر این است که تجار و بازاریان، ملی شدن صنعت نفت و کوتاه شدن دست بیگانگان از اقتصاد ایران را به نفع تجارت و بازرگانی داخلی تحلیل و ارزیابی می‌کردند. روش تحقیق در این مقاله، تاریخی (استقرائی) و شیوه گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای است؛ شیوه نگارش نیز توصیفی-تحلیلی می‌باشد. یافته‌های اساسی پژوهش فوق بیانگر آن است که تجار و بازاریان در دوره‌های بحران، شورش و انقلاب، از نیروهای سیاسی سنتی حمایت اقتصادی کرده و یکی از بزرگ‌ترین اقشار حمایتی در این جریان بوده‌اند در این راستا بسیاری از بازاریان که در همه دوره مصدق پشتیبان او بودند، بعد از ماجرای کودتا نیز به پشتیبانی خود ادامه دادند؛ در کل میتوان گفت تولید کنندگان خرده پا و صادر کننده ها از مصدق هواداری می‌کردند، ولی واردکنندگان به دلیل کاهش واردات، معمولاً از مخالفان او به شمار می‌رفتند.

**واژگان کلیدی:**

تجار، بازاریان، پهلوی دو، دکتر محمد مصدق، صنعت نفت

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، تاریخ ایران دوره اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، تهران<sup>۲</sup> عضو هیات علمی گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، تهران، نویسنده ی مسئول<sup>۳</sup> عضو هیات علمی گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، تهران

ماجرای ملی شدن نفت ایران چنان حجمی از شخصیت‌ها، وقایع و تحولات سیاسی را در خود جای داده است که به پژوهشگران تاریخ امکان می‌دهد تا از زوایای گوناگون به بررسی و تجزیه و تحلیل این رویداد تاریخی بپردازند. بازار به‌عنوان یکی از ارکان جامعه ایرانی نقشی اثرگذار در تحولات تاریخ معاصر ایران زمین ایفا کرده است. این اثرگذاری نه فقط به خاطر این است که بازار اساس ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه آن دوره را تشکیل داده بلکه همچنین به دلیل ارتباط تنگاتنگ آن با مراکز و مؤسسات مذهبی بوده است. بازار، از دیرباز در جامعه ایرانی، هسته اصلی فعالیت اقتصادی به شمار می‌رفته و همبستگی عمیق آن با مذهب و نهاد روحانیت، در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی یک قرن اخیر اهمیت داشته است.

انشقاق میان بازرگانان، کاسبان و پیشه‌وران متوسط که نه از حمایت دولت برخوردار بودند و نه حاضر به همکاری با دول خارجی بیگانه و نیز تجار بزرگ و بازرگانی که نقش دلال صاحبان سرمایه بیگانه را برعهده گرفته بودند، از یک طرف و دشمنی و عداوت شدید و پایان‌ناپذیر آنان با قدرت‌های خارجی و حکومت فاجار، کم‌کم موجب واکنش سازمان‌یافته آنان به شکل‌های مختلف بست‌نشینی، راهپیمایی، مهاجرت، تعطیلی و اعتصاب بازار و شورش خیابانی و نهضت‌های مردمی شد که در تمام اشکال مقاومت، همبستگی سازمانی و ایدئولوژیک بین نیروهای اجتماعی سستی یعنی بازاریان و روحانیان مشاهده می‌شود.

در این مقاله، نقش بازاریان در نهضت ملی شدن صنعت نفت از دو منظر سیاسی - اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌شود. از یک سو به رابطه بازار و این نهضت و اهمیت همبستگی آنها و روحانیت در پیشبرد نهضت ملی می‌پردازد و از سوی دیگر کمک‌های مالی و اقتصادی که بازار در فشارهای اقتصادی دولت مصدق در اختیار آن قرارداد تا وضعیت سیاسی و اقتصادی که به دلیل نبود دستیابی به راه‌حل مسئله نفت گریبان‌گیر دولت وی شده بود، این مبارزه را بدون عملکرد نگذارد. لذا با توجه به مدارک مرتبط و مدارک موجود دیگر که به نقش بازار در این دوره پرداخته است؛ حال پرسش اصلی مقاله حاضر این است که انگیزه و اهداف تجار و بازاریان در پشتیبانی از ملی شدن نفت ایران چه بود؟

در خصوص پیشینه پژوهش در زمینه‌ی نقش تجار و بازاریان در ماجرای ملی شدن نفت ایران، کتاب یا پژوهشی که منحصراً در این زمینه نگارش و تحقیق شده باشد، یافت نشد. هرگونه جستار درباره تجار و بازرگانان و به‌ویژه «نقش تجار و بازاریان در جریان ملی شدن صنعت نفت ایران» از چند جهت دارای اهمیت است: اول آن‌که ظرفیت و پذیرش تحلیل‌ها، تفسیرها و قرائت‌های گوناگونی را دارد و می‌توان آن را با رویکردهای متفاوت موردبررسی و ارزیابی قرارداد؛ دوم آن‌که می‌توان به پاسخ‌هایی نو و بدیع دست‌یافت که پیش‌تر عنوان نشده است؛ و سوم آن‌که از زمان نهضت مشروطه تاکنون، تجار و بازاریان نقش کم‌بدیلی در تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران داشته‌اند؛ گرچه کمبودی که در این زمینه در میان پژوهش‌های تاریخی احساس می‌شد و نیز ابهامات و مسائل متعددی که در زمینه‌ی انگیزه و اهداف تجار و بازاریان وجود داشت، ضرورت انجام تحقیق را نیز سبب گردید.

روش انجام تحقیق بستگی به اهداف و سؤالات تحقیق، دامنه تحقیق، ماهیت موضوع تحقیق و امکانات اجرایی آن دارد. تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت، تاریخی و به لحاظ روش در زمره تحقیقات توصیفی -

تحلیلی قرار دارد. اطلاعات این تحقیق به شیوه کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب، مقالات و سایر متون چاپی گردآوری شده است.

### کارکردهای اجتماعی و سیاسی بازار

بازار در نماد فرهنگ اسلامی حاوی روش کلی زندگی است که در بعضی از تعریف‌ها، فعالیت‌های اقتصادی، زمان‌های حساس سیاسی، روابط اجتماعی و عقاید ایدئولوژیک را در قلمرو سنتی خود ارائه می‌دهد. (آرنگ، ۱۳۸۳: ۱۶۲) بازار، محل اجتماع و تلاقی تقاضای خریداران احتمالی یک کالا و یک خدمت است. (اربابی، ۱۳۵۵: ۴۶) بازار در جنبش‌های اعتراضی، سنگری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود (اشرف، ۱۹۹۰: ۳۰) و به گفته نیکی کدی بازار در تفکر مقاومت علیه وابستگی به کشورهای غرب و گسترش شیوه‌های غربی وحدت داشت. (کدی، ۱۹۸۱: ۲۴۴)

از شهریور ۱۳۲۰ هـ ش تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش مردم ایران فرصتی جدید یافتند تا بتوانند در عرصه نوسازی اقتصادی و استقرار دموکراسی یک‌بار دیگر بخت خود را آزمایش کنند. قطعاً فشار سیاسی ایالات متحده از طریق گفتمان تنصیف نمی‌توانست اهداف آمریکا را محقق نماید. آمریکا تنها می‌توانست با حمایت از گفتمان «ملی کردن نفت»، انگلستان را به مصالحه کشیده، به اهداف خود برسد. (اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۱، پرونده ۱۹ / ۹، سند شماره ۸-۱۶) تنها پس از به سازش کشیدن انگلستان در «تقسیم منابع نفتی» است که به تدریج ایالات متحده مخالفت‌های ضمنی خود را به گفتمان «ملی کردن نفت» افشاء می‌نماید. (اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۱، پرونده ۱۹/۶، سند شماره ۱۵-۲۶۸؛ اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۱، پرونده ۱۹/۶، سند شماره ۱۵ - ۲۱۹) اینجاست که ایالات متحده توانست با مجاب کردن انگلستان و تحمیل خود در شرایط منطقه‌ای به تدریج از همکاری و همدلی با نهضت ملی جداشده و تدریج در مسیر مانع‌تراشی و نهایتاً سرنگونی دولت ملی حرکت کند. (وزیری، ۱۳۷۹: ۲۹۵)

یکی از مهم‌ترین سرفصل‌ها و نقاط عطف تاریخ معاصر ایران زمین را می‌توان نهضت مقاومت مردم ایران برای ملی شدن صنعت نفت دانست، در میان این نیروها، بازار، نهادی سیاسی-اجتماعی بود که از یک طرف با روحانیت و از طرف دیگر با اقشار اجتماعی و سیاسی ارتباط داشت. برخلاف بودجه مالی، اعتبار و جایگاه اجتماعی و سیاسی آن از اهمیت خاصی برخوردار بود. ترکیب اجتماعی تشکیل دهنده جبهه ملی نشان می‌دهد که بازار نقش سیاسی-اجتماعی و اقتصادی داشته است. پیشینه فعالیت‌های سیاسی آنها را میتوان در تشکیل مجلس وکلای تجار، مشارکت در نهضت تنباکو و انقلاب مشروطیت، حضور در مجلس مؤسسان و سقوط سلسله قاجار جست و جو کرد (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۳۵)

شکل‌گیری جبهه ملی

از جمله نیروهای مؤثر طرفدار مصدق در این برهه تاریخی، جبهه ملی بود که متشکل از گروه‌های مختلف و در راستای اهداف مشترکی ظهور یافت. مصدق با رهبری نهضت ملی، مبارزه علیه استعمار و سپس استبداد داخلی را شروع کرد، دشمنان خارجی وی از جمله انگلیس و آمریکا به منظور منافع نفتی و اقتصادی و دشمنان داخلی وی به خاطر منش دموکرات و ضد استبدادی و انجام اصلاحاتش با وی برخورد کردند. (خانی، ۱۳۹۵: ۸۹) جبهه ملی برآیندی از احزاب، گروه‌ها و طبقات مخالف و منتقد دربار بود و مرامی جز آزادی و استقلال ایران نداشتند (راست‌گو، ۱۳۵۷: ۱۳۶) این خواسته مصدق بود که، نیاز آن روزگار ایران را به یک حزب سیاسی که در ائتلافی آزاد از سازمان‌ها و احزاب تحت یک هدف عام به شمار می‌آورد. (آبراهامیان، ۱۳۹۰: ۲۹۹) تمکین به ائتلاف جریان‌های سیاسی مبارز از ابتکارات مصدق بود. (همدلی، ۱۳/۱۲/۹۴)

### پیوستن بازاریان به جبهه ملی

سازماندهی فعالیت سیاسی بازار را باید در همکاری آن با جبهه ملی، گروه‌ها و مجمع‌های طرفدار مصدق مشاهده کرد. دکتر مصدق در انتخابات دوره ۱۴ مجلس در مقام وکیل اول تهران به نمایندگی مجلس انتخاب شد. (سلطانی، ۱۳۶۷: ۳۸) در این مجلس برای مقابله با فشار شوروی، برای گرفتن امتیاز نفت شمالی ایران، طرحی قانونی به تصویب رسید که دولت از مذاکره در مورد امتیاز نفت تا زمانی که نیروهای خارجی در ایران هستند منع می‌شد. (سحابی، ۱۳۸۸: ۷۷)

بازاریان، با تشکیل «انجمن اصناف و بازرگانان» در سال ۱۳۳۰ هـ ش به رهبری حاج محمدحسین راسخ افشار که رییس صنف کفش‌دوزان بود، به حمایت از جبهه ملی و خود مصدق پرداختند. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۷۶)

تلاش‌های کاشانی، مصدق و همین‌طور نمایندگان اقلیت مجلس پانزدهم، قرارداد قوام- سادچیکف در مهر ماه ۱۳۲۶، توسط مجلس ملغی شد. (اسناد نفت، ۱۳۳۰: ۲۵ و ۲۶)

حاج محمود مانیان و اعضای خانواده لباسچی از بازاریان تهران بودند که حامی مصدق شدند (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۴۶). در واقع سیاست این انجمن در تضادی آشکار با سیاست رهبران اتاق بازرگانی قرار داشت که از مبارزه محمدرضا شاه علیه مصدق در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ هـ ش حمایت می‌کردند. (سعیدی و شیرین کام، ۱۳۸۴: ۱۰۵)

### ناخشنودی تجار از اخذ مالیات

بر اساس فرمان اختیارات در سال ۱۳۳۱ هـ ش ۱۹۵۲ م، قانون مالیاتی به تصویب رسید که باعث نارضایتی تعدادی از تجار معروف شد. بازاریان متوسط بر تجار بزرگ توسط مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۲ ش/آوریل ۱۹۵۳ م، برتری یافتند که باعث اعتراض بسیاری از اعضای اتاق شد شامل حاج علینقی کاشانچی، حاج محمدحسن بلورفروشان، حاج عبدالله مقدم، ... (روزنامه کیهان، ۱۳۳۲: ۵)

اعتراض آنها به وزارت دارایی بود که از اصناف و پیشه‌ورانی که عضو این لاق نبودند و کارت بازرگانی نداشتند برای عضویت در کمیسیون تشخیص مالیاتی دعوت کرد. این اقدام به همکاری برخی از رهبران قبلی لاق و برخی تجار مرفه چون نیک پور، خرازی و برادران رشیدی یعنی قدرت الله، سیف الله و اسدالله در سرنگون کردن دولت مصدق منتهی شود. (سعیدی و شیرین کام، ۱۳۸۴: ۱۰۵). این اختلافات میان بازاریان حامی مصدق و مخالف او، پیش از تشکیل جبهه ملی یعنی در سال ۱۳۲۶ ش / ۱۹۶۵ م در مجلس چهاردهم نیز به وجود آمده بود؛ زمانی که بازاریان اعتراض خود را نسبت به استفاده برخی از بازرگانان از مجوزهای صادراتی نشان دادند؛ مصدق که رهبری بازاریان معترض در مجلس را بر عهده داشت، نسبت به واگذاری واردات مواد نساجی به معدودی تجار بزرگ، وزیر دارایی را در مجلس چهاردهم مورد انتقاد قرارداد و روسای این اتاق با چاپ مقاله‌هایی به این انتقاد جواب دادند. در این بحث بازاریان متوسط و ملی‌گرا به پشتیبانی از مصدق برخاستند. (سعیدی و شاد کام، ۱۳۸۴: ۱۰۴) در تاریخ پنجم بهمن ماه ۱۳۳۱ جمعیتی حدود ۸۰ هزار نفر از عشایر و کسبه به پشتیبانی دولت مصدق تعطیل شد و همه کسبه در تلگرافخانه تحصن کردند. (وزارت پست و تلگراف و تلفن، بهمن ۱۳۳۱، سند ۱۱۹۰۶) همچنین به دعوت جمعیت ملی مبارزه با استعمار کلیه کارگران و طبقات مختلف و بازاریان آبادان در اعتصاب سیاسی مجدد ۲۴ ساعته ۲۷ فروردین ۳۲ شرکت نمودند. (وزارت پست و تلگراف و تلفن، فروردین ۱۳۳۲، سند ۱۶۳۵۳)

### حمایت بازاریان از رهبران ملی مذهبی

در این نهضت، حمایت بازاریان در اعلامیه‌ای که از سوی این اصناف خطاب به آیت الله کاشانی و مصدق صادر شد آشکار است. آنان در اعلامیه خود به پیروی از اهداف پدران شهید صدر مشروطیت که جان خود را فدا نمودند برای اعاده حیثیت و ملیت و شادی روان آنها، طالب استیفای حقوق ملت ایران و کوتاه کردن دست «جانیان استعمارطلب که به نام شرکت غاصب نفت بودند»، خواستار حقوق ایران در ملی شدن صنعت نفت شدند. (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۲۹: سند ۸)،

مصدق در ۵ اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ هـ ش با تکیه به رأی اعتماد اکثر نمایندگان مجلس به نخست‌وزیری رسید. مخالفین وی، شاه و دربار، زمینداران، امرای ارتش، حزب توده، برخی علما، بریتانیا و آمریکا بودند که هر کدام آنها در مقاطع خاصی شروع به مخالفت کردند و در روزهای پایانی متحد شدند. مصدق در مصاحبه‌ها و نطق‌های زمان نخست‌وزیری خود که اکثراً با عنوان هموطنان عزیز آغاز می‌شد (رحمانی، ۱۳۸۵: ۸۹) در مجلس گفت: «ملی شدن صنعت نفت موجب خواهد شد که عوایدی قریب دو برابر تمام مالیات‌ها به بودجه کشور افزوده گردد و بالتیجه سطح زندگی مردم این مملکت بالاتر رفته وضعیت طبقات فقیر و ناتوان بهتر می‌شود. (نطق‌های مصدق در دوره ۱۶ مجلس، ۱۳۴۸: ۱۴۲/۱)

محمد ناصر قشقایی در خاطرات خود می‌نویسد که بعد از نخست‌وزیری مصدق به همراه چندی از بازاریان به نزد سردار فاخر حکمت، رئیس مجلس، رفته اند تا حمایت خود را نسبت به دولت مصدق و نهضت ملی شدن صنعت نفت عنوان کنند. آنان خواستار کمک مجلس به دولت مصدق شدند و

هشدار دادند که در صورت همراهی نکردن، بازارها را به حمایت از مصدق خواهند بست. (قشقایی، ۱۳۶۲: ۱۹۶)

به گزارش چارلز عیسوی مالیات بازرگانی ایران در قرن نوزدهم میلادی یعنی از شکل‌گیری قاجار تا اوایل حکومت مظفرالدین شاه، ۱۲ برابر افزایش یافت. (آوری، ۱۳۶۷: ۱۵۴) مالیات ستانی در شهرها نیز از ظلم مالیاتی تبعیت می‌کرد. داروغه‌ها گاهی در سال دو یا سه بار از بازاریان مالیات می‌گرفتند. (فلور، ۱۳۶۶: ۷۷)

به نظر می‌رسد که تعطیلی بازار از اقدامات مهم و تاثیرگذار آنها در مخالفت با تصمیمات حکومتی به شمار می‌رفت. بازار با چنین شیوه‌ای نقش تاثیرگذاری را در مسیر رویدادهای سیاسی و تاریخی داشته است. حتی در میان اختلافات و درگیری‌های گروهی و حزبی، بستن دکان‌ها و تعطیلی بازار یکی از ابزارهای سیاسی برای حذف رقیب بود. (قشقایی، ۱۳۶۲: ۱۹۹)

غلامحسین خان کاشف که از معتمدین بازاریان تهران بود، توصیفی از شرایط بازرگانی کشور دارد که گویای نحوه اداره کشور است؛ وی می‌گوید: «روز به روز دایره صادرات تنگ‌تر می‌شود تجار و مردم در مضیقه‌اند. انحصار تجارت تغییر داده می‌شود، بدون این که فکری در مورد نتیجه این تصمیمات ناگهانی که می‌گیرند قبلاً کرده باشند. با نهایت تأسف دید می‌شود اساس قانون انحصار تجارت که ازدیاد صادرات بوده و هست، برعکس نتیجه بخشیده و جلو صادرات گرفته شده...» (جباری، ۱۳۷۹: ۹)

بازار همواره در پیوند سنتی و فرهنگی خود با روحانیت قرار داشت (بیل، ۱۳۷۲: ۳۷۰) به گونه‌ای که در نهضت ملی شدن صنعت نفت، گروه‌های «اصناف و بازرگانان» به حمایت از آیت الله کاشانی و جبهه ملی تبلیغاتی انجام میدادند که بیشتر در روزنامه‌های «اصناف»، «بازاریان» و «شاهد» در تهران به چاپ می‌رسیدند (روحانی مبارز آیت الله کاشانی به روایت اسناد، ۱۳۷۹: ۱/ ۳۸۹-۳۸۵) و حتی در جلسه‌هایی که در منزل آیت الله کاشانی و از سوی گروه‌های مسلمانان مجاهد برگزار می‌شد، نماینده‌ی بازاریان در حمایت از دولت مصدق فعالیت می‌کرد. (آیت الله کاشانی به روایت اسناد، ۱۳۷۹: ۱/ ۴۱۶) هرچند شبکه‌های ارتباطی بازار متفاوت بود، اما پیوند بازار و روحانیت سابقه‌ای دیرینه داشت و همین امر نقش آن را در فعالیت‌های سیاسی برجسته ساخت. به طوری که در ماه‌های اول سیاستمداری مصدق، آیت الله کاشانی به بازاری‌ها دستور داد که به روش‌های مختلف به مخالفان دولت توهین کنند و در خیابان‌ها و مجامع از هر گونه اهانت به آنها دریغ نکنند و چهره مخالفین دولت را افتضاح و زشت نشان دهند (آیت اله کاشانی به روایت اسناد، ۱۳۷۹: ۱/ ۴۸۲). اتحادیه اصناف و بازرگانان در شهرهای مختلف، در تمام تجمعاتی که در پشتیبانی از آن صورت می‌گرفت، شرکت داشتند. (گازپوروسکی، ۱۳۸۴: ۴۹-۵۰)

در ماه‌های پایانی دولت مصدق، مخالفان وی به شیوه‌ها و راه‌های ارتباطی متفاوت سعی میکردند که حامیان وی را تحریک کنند و بازار نیز در این مورد بی‌تاثیر از جهت‌گیری‌های مختلف نبود. هر چند نقش سیاسی موثری را با حمایت از نهضت از خود نشان داد و با کمک‌های مالی که به دولت مصدق اهدا کرد نیز اهمیت اقتصادی اثرگذاری داشت اما با روش‌هایی چون رشوه گرفتن برخی بازاریان یا شایعه‌پراکنی در مورد وضعیت نامساعد اقتصادی از سوی نیروهای مخالف دولت،

دچار سردرگمی شد و معاون اتاق بازرگانی، محمدرضا خرازی در اردیبهشت ۱۳۳۱ در گزارشی که به محمدرضاشاه تحویل داد اعتراض بازرگانان عمده و بازاریان را انعکاس داد و توجه عمومی را نسبت به این تصویر نا امید جلب کرد تا به سختی های اقتصادی دولت مصدق بیفزاید. تصویر اوضاع بد اقتصادی به گونه‌ای اثرگذار بود که بعضی بازاریان هم که طرفدار دولت مصدق بودند از شرایط پیش آمده ابراز نارضایتی کردند و سیاست‌های اشتباه دولت مصدق را از عوامل گرفتاری و سختی های اقتصادی به شمار آوردند و شایعه‌های گروه‌های مختلف و بزرگنمایی مشکلات سیاسی و اقتصادی دولت مصدق را شدت می‌داد و در آستانه کودتا زمزمه‌های مخالفت برخی طرفداران مصدق که در بازار بودند به گوش می‌رسید. (عظیمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۵)

بسیاری از بازاریان که در همه دوره های مصدق حامی او بودند، بعد از کودتا نیز به حمایت خود ادامه دادند؛ اما در مورد واکنش های بازاریان باید گفت تولید کنندگان کوچک و صادر کنندگان از مصدق هواداری می‌کردند، ولی واردکنندگان به دلیل کاهش واردات، معمولاً در زمره مخالفان او به شمار می‌رفتند. در همین رابطه، نامه‌هایی از علمای نجف به تهران فرستاده شد (روزنامه کیهان، شماره ۳۷۹۸،

۱۳۳۴/۱۱/۷، ص ۱) اعتراضات یکپارچه جامعه روحانیت، و به ویژه ایستادگی آیت الله بروجردی به حمایت از مصدق ارزشمند بود. (سلیمان نژاد، ۱۳۸۰: ۱۳۱) بازاریان در طی تلگراف‌هایی به تهران از رهبران ملی و مذهبی و تحقق حاکمیت ملی و استقلال کشور حمایت کردند. به عنوان نمونه بازاریان اصفهان تلگرافی حاوی «نفت باید ملی شود» به تهران ارسال کردند که مردم را از هرگونه تظاهرات بیهوده و اقدام بدون فکر که ممکن است به مرور زمان به ضرر کشور و ملت به پایان برسد، بر حذر داشت، زیرا که «استیفای حقوق ملت را خواستار بودند و با هر گونه اختلاف و دو دستیگی» مخالف بودند. (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، سند ۹ بهمن ۱۳۲۹) در منطقه نفت خیز خوزستان، بازاریان در به انجام رساندن ملی شدن نفت، حفظ منافع ملی و تأمین آزادی را از هدف های مهم جبهه ملی می‌دانستند و خواستار لغو حکومت نظامی و ملی شدن صنعت نفت، به‌عنوان دو قدم بزرگ در «تأمین آزادی و حفظ ثروت ملی» بودند. (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۲۹: سند ۱۰) هماهنگی در رخدادهای مرتبط به ملی شدن صنعت نفت، تاثیر کارکرد سیاسی بازار را ارائه می‌دهد. به طوری که هر تصمیمی از سوی اصناف بازار تهران گرفته می‌شد، تلگراف‌هایی را از بازارهای دیگر شهرهای ایران به دنبال داشت. کسبه بازار به پیروی از فرمایشات پیشوای روحانی خود آیت الله کاشانی، خواستار لغو امتیازات نفت ایران و انگلیس و واگذاری علیه تأسیسات شرکت مزبور به دولت ایران و ملی شدن صنعت نفت در تمام ایران شدند (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۲۹: سند ۱۱)

در همه شهرهای دیگر ایران در همراهی با دیگر گروه‌ها در حمایت از نهضت ملی نفت به صدور اعلامیه، برگزاری تظاهرات و سخنرانی پرداختند.

در تهران نیز بیانیه‌ای صادر کردند که «جهانیان بدانند که ملت ایران در این مبارزه حیاتی به احدی از خائنین رحم نکرده، بار دیگر زنجیر استعمار و اسارت را به گردن نخواهد گرفت و تسلیم نخواهد شد. (سازمان اسناد ملی ایران، پرونده ۲۹۰۰۰۹۰۲۷، محل در آرشیو ۸۷۱ ن ۲ الف ب ۱، ۱۳۳۰)



### بازاریان در دوره دوم نخست‌وزیری مصدق

در دوره دوم نخست‌وزیری مصدق، اصناف و کسبه در سراسر شهرهای ایران همراه با گروه‌های دیگر جامعه به حمایت از مصدق پرداختند و در تلگراف‌هایی اعلام کردند که به کوری چشم دشمنان ملت، تا پای جان آمادگی خود را برای گرفتن اختیارات دکتر مصدق اعلام می‌کنند. (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۳۱: سند ۱) در مشهد، در آستانه قیام سی تیر، بازاریان در همراهی با حزب ایران مغازه‌های خود را تعطیل کردند؛ و از آنها خواسته شد در صورت اسرار مأموران نظامی برای باز کردن مغازه‌ها، با فریاد «انقلاب» خود را آماده مبارزه کنند. (سازمان اسناد ملی ایران، تیر ۱۳۳۱: ۳-۲۹۸-۵-۶۳-۲۹۸-۵-۳-۶، ۲۷) بحران پایتخت همزمان با رسیدن خبر استعفای مصدق به بازار آغاز شد. آنها، مغازه‌ها و کارگاه‌های خود را بسته، در میدان مرکزی بازار گرد آمدند و مردم را تشویق کردند تا روز بعد در اطراف مجلس تظاهرات کنند. حتی یک کمیته پارلمانی بررسی کننده حوادث سی تیر ۱۳۳۱ هـ ش در آن هنگام اعلام کرد که خونین‌ترین برخوردها در چهار محله شهر رخ داده است: مردم که با فریاد «یا حسین» به شدت با ارتش درگیر شده بودند و نطق‌هایی درباره رفتار نامطلوب عده‌ای از سناتورهای خودداری از عدم رأی تمایل به مصدق ایراد کردند. (ترکمان، ۱۳۶۱: ۵۶-۵۳) یکی از بازاریان به نام حسین رجبی بزاز در اعتراضات شهر همدان قصیده‌ای در مورد شهدای سی تیر به تهران ارسال کرد که مطلع زیر را در بر داشت: ای مصدق ز قصاص شهدا دست مدار/ زانکه این نکته به الطاف تو مقرون آمد (ترکمان، ۱۳۶۱: ۵۹۳).

### اتحاد با گروه‌های طرفدار نهضت ملی

همبستگی با انجمن‌های پیرو نهضت ملی بازار در همبستگی با روحانیت و دیگر انجمن‌های پیرو نهضت ملی شدن صنعت نفت در تمام پیشامد نهضت ملی نقش مهمی در به انجام رساندن مقاصد جبهه ملی و نهضت ملی شدن صنعت نفت داشت، به گونه‌ای که در نهم اسفند ۱۳۳۱ هـ ش شعبان جعفری مشوق کسبه به تعطیلی مغازه‌های خود به نشانه‌ی اعتراض به خارج گشتن محمد رضاشاه بود ولی با همه‌ی این کوشش‌ها بازاریان حامی مصدق اهمیتی ندادند در نهایت شعبان جعفری در مغازه‌ها را در هم شکست، جمعیتی را بسیج کرد و به سمت کاخ رهسپار شد. (سرشار، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۳) بازاریان با تحصن در شهرهای مختلف آمادگی خود را در راه حفظ سلطنت مشروطه و پشتیبانی از دولت مصدق اعلام کردند (روزنامه خراسان، ۱۳۳۱: ۴) و تعطیل عمومی بازار را تا تصویب گزارش هیأت هشت نفری ادامه دادند. (روزنامه خراسان، ۱۳۳۲: ۴؛ روزنامه سفید و سیاه، ۱۳۳۲: ۴). در گزارش‌های سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش از بازار را محل شایعه ساختن و فراهم ساختن مخالفت با سیاست‌های دولت مصدق دانسته‌اند؛ (وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۱۹۳) به عنوان مثال، فرقه زحمتکشان ملت ایران پایگاه پر قدرتی در بازار داشت، چون مظفر بقائی مورد حمایت آنها بود. حزب توده سعی در تضعیف هواخواهی از مصدق در میان بازاریان داشت. بدین ترتیب دستاویز نیروهای سیاسی قرار می‌گرفتند که مخالف سیاست‌های دولت مصدق بودند. از یک سو برخی روحانیون مخالف نیز با تاثیر بر باورهای بازاریان همراه با دلالتان سیاسی خرده پا به شایعه پراکنی می‌پرداختند. (عظیمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۵) بدین گونه پایگاه موافقان و مخالفان دولت در بازار شکل

گرفت. با این وجود، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش تنها بازار بود که در اعتراض به کودتاچیان به تعطیلی عمومی اقدام کرد. روزنامه‌های اطلاعات و کیهان که مخالف دولت مصدق بودند، از فرصت استفاده کردند، نوشتند که تا برگشت اعلیحضرت به ایران تعطیل می باشد. در همین زمان روحانیون حامی مصدق، نامه ای به بازاریان نوشتند و با درخواست آنها، بازار را باز کردند. (یزدی، ۱۳۸۳: ۱۰۵ - ۱۰۶)

### حمایت‌های اقتصادی

با این وجود فعالیت بازار تنها به برپایی تظاهرات و سخنرانی‌ها محدود نمی شد، بلکه بیشتر مخارج نهضت ملی به وسیله آنها تأمین می شد، به ویژه بازارهای تهران، مشهد و اصفهان. حاج محمدحسن شمشیری، حاج محمود مائیان و اعضای خاندان لباسچی از جمله فعال‌ترین افراد نهضت در تهران بودند. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۱۱-۱۱۰) در دوره نخست‌وزیری مصدق هرگاه تقاضاهایی داشتند، از طریق محمدحسن شمشیری به نخست‌وزیر اطلاع می دادند و در سراسر دوره زمامداری مصدق وی حتی به عنوان نماینده بازاریان، تقاضایی نامشروع تسلیم نکرد و مصدق به شمشیری دستور داده بود به بعضی از احزاب ملی کمک مالی کند و شمشیری نیز از گروهی از بازاریان طرفدار نهضت ملی از قبیل حاج حسن قاسمیه، حاج ابراهیم کریم آبادی، حاج احمد حاج حریری، ..... مبلغی را می گرفت و به احزاب کوچک طرفدار جبهه ملی مثل جمعیت آزادی مردم ایران (جاما) می پرداخت. در پاییز ۱۳۳۰ هـ ش / ۱۹۵۱ م که مصدق اوراق قرضه ملی انتشار داد، شمشیری بزرگترین خریدار بود و مبلغ دویست هزار تومان پرداخت. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۴: ۱۳۶-۱۳۳۴)

### واکنش به تحریم جهانی خرید نفت

وقتی که جبهه ملی به عنوان یک گروه مخالف قدرتمند علیه دربار مبارزه می کرد، بسیاری از آنها از این جبهه حمایت کردند. با وجودی که از نظر سیاسی و اقتصادی به حامی و پشتیبان ملی شدن صنعت نفت و دولت مصدق بودند، ولی منافع اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری گرایش‌های بازاریان مؤثر بود. زیرا از یک طرف گروهها و احزاب سیاسی، بازار را دستاویز مخالفت با دولت مصدق قرار می دادند و از طرفی دیگر به نمایش ناخشنودی از وضع اقتصادی دولت، آنها را دچار سردرگمی کرد. البته بسیاری که در تمام دوره مصدق همراه او بودند، پس از کودتا نیز به حمایت از وی پرداختند؛ اما در مورد واکنش‌های بازاریان باید گفت تولیدکنندگان کوچک و صادرکنندگان از مصدق هواداری می کردند، ولی واردکنندگان معمولاً در شمار مخالفان او به شمار می رفتند. (روزنامه کیهان، شماره ۳۷۹۸، ۱۳۳۴/۱۱/۷، ص ۱، عظیمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۵: کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۲۱۰)

عصر روز جمعه ۳۰ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش، با وجود اینکه دستور باز کردن بازار و ادارات دولتی از رادیو اعلام شد اما تا وقتی به امضای مؤسسان اصلی و فعال نهضت مقاومت ملی نرسید، بازاریان مغازه‌های خود را باز نکردند. نهضت مقاومت ملی در برابر کودتا کمیته‌هایی تشکیل داده بود و کمیته‌های بازار و دانشگاه تهران از فعال‌ترین نهادهای سیاسی نهضت مقاومت ملی به شمار می رفتند، در این کمیته با

وجود خشونت‌های فرمانداری نظامی مانند خراب کردن بازار در زمان های تلاش ارتش برای براندازی دولت باز هم از مصدق حمایت کردند. زد و خورد از بازار تهران آغاز شد و به شهرهای دیگر سرایت کرد (جباری، ۱۳۷۹: ۱۳۷-۱۳۶)

ابوالقاسم لباسچی یکی از بازاریان طرفدار مصدق به رابطه آنها با دولت مصدق و عملکرد آن اشاره دارد که در تمام حرکت‌ها دخالت می‌کردند و به نام جامعه بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران هر اختلافی پیش می‌آمد به حضور دکتر مصدق-رئیس دولت- می‌رفتند تا دیدگاه خود را بیان کنند و تا زمانی که متقاعد نمی‌شدند مصدق اجازه نمی‌داد خارج شوند. (لاجوردی، ۱۹۸۲: ۷-۵) بازار نهادی اجتماعی، مذهبی و اقتصادی محسوب می‌شود (هارتلی، ۱۳۸۹: ۲ و ۳). به همین خاطر پیوسته در تلاش برای حفظ استقلال خود بود. اهمیت و تأثیری که بر گروه‌های اجتماعی دیگر داشته، همواره آن را مرکزی برای تبلیغات ضد حکومت قرارداد، به طوری که در زمینه سازی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش مرکز انتشار شایعه‌ها و اعتراض‌ها به شمار می‌رفت. (وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۱۹۳-۱۹۲) حتی به دلیل تعطیلی دانشگاه و مدارس در آغاز کودتای ۲۸ مرداد، بازار تنها نهاد اجتماعی بود که می‌توانست در کودتا از خود عکس‌العمل نشان دهد.

#### نارضایتی در اواخر دولت مصدق

تصویر اوضاع بد اقتصادی به گونه‌ای تأثیرگذار بود که برخی طرفدار دولت مصدق از شرایط پیش آمده ابراز نارضایتی کردند. آنان سیاست‌های غلط و اشتباه دولت مصدق را عامل گرفتاری و تنگناهای اقتصادی قلمداد کردند و شایعه‌های گروه‌های مختلف و بزرگ‌نمایی مشکلات سیاسی و اقتصادی دولت مصدق که از طریق کساد اقتصادی، معاملات و کاهش واردات و موجودی پول به تصویر کشیده می‌شد، (وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۱۹۳) مخالفت با مصدق را شدت می‌داد و در آستانه کودتا زمزمه‌های مخالفت برخی حامیان مصدق که در بازار بودند به گوش می‌رسید. همان‌طور که بیان شد رفتار سیاسی و اقتصادی متأثر از انتقال نیروهای سیاسی، وفاداری‌ها و منافع اقتصادی و اجتماعی آنان بود که سرانجام در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هـ ش به طور مشخصی رویارویی نیروهای مخالف و موافق دولت مصدق را به تصویر کشید.

در اواخر دولت مصدق، مخالفان وی به شیوه‌ها و شبکه‌های ارتباطی متفاوت سعی در تحریک حامیان وی داشتند و بازار نیز در این مورد بی‌تأثیر از جهت‌گیری‌ها و گرایش‌های مختلف نبود. هر چند نقش سیاسی مؤثری را با حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت در جبهه ملی از خود نشان داد و با کمک‌های مالی که به دولت مصدق اهدا کرد نیز اهمیت اقتصادی اثرگذاری داشت، اما با روش‌هایی چون رشوه گرفتن برخی رهبران بازاری و یا شایعه پراکنی در مورد وضعیت نامساعد اقتصادی از سوی نیروهای مخالف دولت، دچار سردرگمی شد و معاون اتاق بازرگانی، محمدرضا خرازی در اردیبهشت ۱۳۳۱ هـ ش در گزارشی که به محمدرضاشاه تحویل داد ناخشنودی بازرگانان عمده و بازاریان را منعکس کرد و توجه مردم را نسبت به این تصویر نومیدانه جلب کرد تا بر وسعت سختی‌های اقتصادی دولت مصدق اضافه کند. (عظیمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۵)

در بررسی علل و عوامل سقوط دولت مصدق و گرفتن درس از آن می‌توان به عوامل مختلف درونی و خارجی اشاره کرد. اولاً نداشتن ایدئولوژی مشخص در داخل کشور که هر حرکت سیاسی و هر

انقلابی برای ادامه حیات خود نیازمند یک ایدولوژی مشخص و شفاف می باشد. مصدق که بعد از گرفتن رای دادگاه لایحه به کمک آمریکائی ها و گرفتن رانی شورای امنیت راه و روش مشخصی نداشت و این باعث شد که اطرافیان مصدق نتوانند حول یک محور متحد و منسجم شوند. وی محافظه کار بود، صراحت در بیان نداشت، مواضع انقلابی و سیاسی مشخصی نداشت، وی میخواست هم انقلابیون را در اطرافش نگه دارد و هم مخالفین را تحت سلطه و کنترل داشته باشد و با اینکار خیلی از انقلابیون را از دست داد.

لذا عوامل مختلف درونی باعث شد که حکومت مصدق از درون متزلزل شود و با این وضعیت وقتی دید در درون کشور حکومتش متزلزل شده و تمام عوامل داخلی را از دست داده مجبور شد تمام قد به سمت آمریکا دست دراز کند و به آنان اعتماد کامل کند، آمریکائی ها هم اول از راه دوستی وارد شدند و در نهایت از پشن به مصدق خنجر زدند و همان نفتی را که آمریکائی ها به مصدق کمک کردند تا ملی شود حالا هیچ کس از او نمی خرید و مجبور شد که به یک سوم قیمت به آمریکائی ها بفروشد و آنها نیز به چندین برابر قیمت در بازارهای جهانی میفروختند و سود می بردند.

زمانی که دولت مصدق نیازمند شدید آمریکا شد آنان شروع کردند به شرط و شروط گذاشتن و مصدق هم مجبور بود تمام شرط های آنان را قبول کند، چون دست مصدق دراز شده بود لذا زبانش کوتاه شده بود، وقتی که آمریکائی ها اطمینان حاصل کردند که دولت مصدق از داخل کشور دیگر حامی ندارد و متزلزل شده است کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ شمسی را بوجود آوردند و مهره خودشان زاهدی را بعنوان نخست وزیر معرفی کردند. از مهمترین علل شکست و سقوط دولت مصدق اعتماد او به آمریکا بود.

## نتیجه‌گیری

تفکر ملی شدن منابع، خاتمه دادن به تسلط خارجی بر امور داخلی، عامل اضافه شدن گروه‌های مختلف اجتماعی به هم و همراهی یکدیگر برای شرکت در عرصه سیاسی بوده است. البته این تفکر زمانی معنا پیدا می‌کرد که جبهه ملی و پیشرفت سیاسی و اقتصادی به رهبری ملی و مذهبی سازماندهی شده باشد. نقطه مشترک و پیوند گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در مسیر ملی شدن صنعت نفت در دستیابی به هدف‌های تعریف شده نهضت بود. بنابر این بازار و بازاریان که در پی آگاهی درون‌گروهی خود نسبت به ورود کالاهای خارجی تصمیم به تشکیل مجلس وکلای تجار در سال ۱۳۰۱ قمری گرفته بودند تا امنیت، مالکیت فردی و تولید کالای وطنی را تحقق بخشند، برای استقلال ایران، حاکمیت ملی، تحقق توسعه سیاسی و اقتصادی به دنبال تسلط بر امور داخلی و در دست گرفتن منافع حاصل از منابع ملی به اشکال مختلف تعطیلی بازار، تظاهرات، کمک مالی و اقتصادی، نهضت ملی را همراهی و حمایت کردند و در پیوند خود با نیروهای اجتماعی و سیاسی دیگر، هم‌سویی و هم‌گرایی با اهداف نهضت را عامل اصلی تحقق آرمان‌های نهضت می‌دانستند.

نهضت ملی شدن صنعت نفت از جمله حرکت‌های سیاسی و اجتماعی بود که اهداف خود را در راستای حاکمیت ملی و استقلال تعریف کرد. تحقق این اهداف به منظور تسلط بر منابع و منافع ملی و کوتاه کردن دست بیگانه از امور داخلی مورد قبول و پذیرش عموم قرار گرفت و مشارکت سراسر را در جهت حمایت از جبهه ملی، نخست‌وزیری مصدق و پیشبرد تصمیم ملی شدن صنعت نفت به دنبال داشت. بازار و بازاریان که بخشی از قدرت‌های سیاسی و اجتماعی فعال در جامعه ایران بودند در ملی شدن صنعت نفت با تلاش‌های اقتصادی و سیاسی حامی نهضت بودند ۱- پس از تحریم نفت ایران به جهت کمک به افزایش درآمد اوراق قرضه ملی را از دولت خریداری کردند؛ ۲- از دولت مصدق علیه حاکمیت با تعطیل کردن بازار حمایت کردند. ۳- مشارکت در تظاهرات.

بازار در هر کدام از این اقدامات، ارتباط خود با دولت را در جهت به محقق شدن اهداف نهضت دنبال کرد. در حقیقت بازار در بخش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با نیروهای سیاسی همکاری کرد. در بخش سیاسی با جبهه ملی و احزاب‌های حامی نهضت ملی مشارکت کرد و از نخست‌وزیری مصدق حمایت کرد و در زمینه اقتصادی، کمک‌های مالی خود را در راه تأمین دولت مصدق به کار گرفت. در واقع بازار سعی کرد با اقدامات مختلف و روابط متنوع نقشی مهم در رسیدن به اهداف نهضت ملی شدن صنعت نفت داشته باشد.

## منابع و مأخذ

## منابع فارسی

## \* کتب

- اربابی، علی محمد (۱۳۵۵)، *از تولید تا مصرف (مارکتینگ)*، تهران: کتابخانه فروردین.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، *درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی ایران*، تهران: نشر قومس.
- *اسناد نفت* (۱۳۳۰)، تهیه از انتشارات دولت مصدق، تهران: پویان.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۳)، *کودتا*، ترجمه ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۰)، *تاریخ ایران مدرن، تاریخ ایران مدرن*، عسگر قهرمانپوربناب، رامین قدسی، تهران، نقش نگین.
- آوری، پیتر (۱۳۶۷)، *تاریخ معاصر ایران*، از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه، محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، عطایی
- بیل، جیمز و راجر لوئیس (۱۳۷۲)، *مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی*، ترجمه هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران، نشر گفتار.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۱)، *قیام سی تیر به روایت اسناد و تصاویر*، تهران: دهخدا.
- جباری، مینا (۱۳۷۹)، *همیشه بازار*، تهران: آگه.
- راست گو، عبدالله (۱۳۵۷)، *فریاد خلق*، تهران: مرجان.
- رحمانی، حسن (۱۳۸۵)، *سیری در مناسب سیاسی آیت الله کاشانی و دکتر مصدق*، مجله یاران، یادمان آیت الله ابوالقاسم کاشانی، ش ۱۶.
- *روحانی مبارز آیت الله کاشانی به روایت اسناد* (۱۳۷۹)، جلد اول، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- سحابی، عزت الله (۱۳۸۸)، *نیم قرن خاطره و تجربه*، تهران: فرهنگ صبا.
- سرشار، هما (۱۳۸۱)، *شعبان جعفری*، تهران: نشر ثالث
- سعیدی، علی اصغر و فریدون، شیرین کام (۱۳۸۴)، *موقعیت تجار و صاحبان صنایع در ایران دوره پهلوی: سرمایه داری خانوادگی لاجوردی*، تهران: گام نو.
- سلطانی، مجتبی (۱۳۶۷)، *خط سازش*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- سلیمان نژاد، عباس (۱۳۸۰)، *مبارز نستوه*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۸۳)، *حاکمیت ملی و دشمنان آن*، تهران: نگاره آفتاب.
- فلور (۱۳۶۶) *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ابوالقاسم سری، تهران، توس
- قشقای، محمد ناصر (۱۳۶۲)، *سالهای بحران*، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۶۸)، *اقتصاد سیاسی ایران*، ترجمه محمد رضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران:

- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۲)، مصداق و مبارزه با قدرت، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۱)، مصداق و نبرد قدرت در ایران، ترجمه احمدی تسلین، بی‌جا، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- گازیوروسکی، مارک و مالکوم برن (۱۳۸۴)، مصداق و کودتا، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: قصیده سرا.
- لاجوردی، حبیب (۱۹۸۳)، مجموعه مصاحبه‌های ابوالقاسم لباستی، فرانسه - پاریس.
- نطق‌های مصداق در دوره ۱۶ مجلس (۱۳۴۸)؛ ج اول، دفتر دوم، تهران: مصداق.
- وزیری، شاهرخ (۱۳۷۹)؛ قدرت در ایران (از قنات تا لوله نفت) ترجمه مرتضی ثاقب فر، بی‌جا، انتشارات عطایی.
- وطن دوست، غلامرضا (۱۳۷۹)؛ اسناد سازمان سیا درباره کودتا ۲۸ مرداد و براندازی دکتر مصداق، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- هارتلی، جان پاتریک (۱۳۸۶)؛ بازار اصفهان در مواجهه با مدرنیسم، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴)؛ سرنوشت یاران مصداق، تهران، انتشارات علمی.
- یزدی، ابراهیم (۱۳۸۳)؛ جنبش دانشجویی در دو دهه ۱۳۴۰-۱۳۲۰، تهران: قلم.

#### مقالات

- امین، سید حسن (۱۳۸۳)؛ از مصداق و نهضت ملی چه می‌توان آموخت، ماهنامه حافظ، ش ۱۲، ص ۲
- خانی، امین (۱۳۹۵)؛ مصداق و نهضت ملی شدن نفت، تاریخنامه خوارزمی سال چهارم زمستان ۱۳۹۵ شماره ۲، ص ۸۹ تا ۱۰۸.
- کشایورزیان، آرنگ (۱۳۸۳)؛ در جستجوی مفهومی برای بازار، شماره ۴۲، ۱۷۳-۱۴۱.

#### اسناد

- اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۱، پرونده ۹/۱۹، سند شماره ۸-۱۶.
- سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۳۰، پرونده ۲۹۰۰۰۹۰۲۷، محل در آرشیو ۸۷۱ ن ۲ الف ب ۱.
- سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۳۱، ۳-۲۹۸-۵-۶۳-۲۹۸-۵-۳-۶-۲۷.
- مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۲۹.
- مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۳۱.
- مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۴۶.
- اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۱، پرونده ۱۹/۶، سند شماره ۱۵-۲۱۹.
- اسناد وزارت خارجه، سال ۱۳۳۱، پرونده ۱۹/۶، سند شماره ۱۵-۲۶۸.
- وزارت پست و تلگراف و تلفن، بهمن ۱۳۳۱، سند ۱۱۹۰۶

- وزارت پست و تلگراف و تلفن ، فروردین ۱۳۳۲ ، سند ۱۶۳۵۳

#### روزنامه‌ها

- روزنامه خراسان، سال ۴، شماره ۱۰۶۳، سه شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۳۱
- روزنامه خراسان، سال ۴، شماره ۱۰۹۳، جمعه ۲۸ فروردین ۱۳۳۲
- روزنامه سفید و سیاه، سال ۲، شماره ۵۳، چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۳۲
- روزنامه کیهان، ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ ش
- روزنامه همدلی، شماره ۲۷۳، ۱۳ اسفند ۱۳۹۴



ضمائم

ماهنامه علمی (مقاله علمی-ترویجی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال پنجم، شماره هشتم، مرداد ۱۴۰۱

نوع ۳۶۵		شماره کتاب ۶۳۵	
آپری ۱۳۳۲ سال		وزارت پست و تلگراف و تلفن	
تاریخ وصول		تعداد کلمه	
روز	ماه	تاریخ اصل	تاریخ کتب
۳۰		۲۸	۱۰۷
توضیحات		قبض ۸۸۲	
		۱۰ تلگراف	
لز ابادان		به تهران	

وسيله جمعيت ملی مبارزه با استثمار روزنامه بانگ مردم رونوشت نخست وزير رونوشت مجلس شورای ملی بدعوت قبلي جمعيت ملی مبارزه با استثمار گليه کارگران و طبقات مختلف ابادان دراعتصاب سياسی مجدد ~~بسته~~ بیست و چهار ساعت ۲۷ فروردین بانكوه تمام شرکت کردن اعتصاب گليه کارگران پالایشگاه وکسبه تهری ران شرکت در تظاهرات ۲۷ فروردین ده ها هزار نفر شرکت کردند متینگ های بانكوه و د مونتسراسيون عظیم تاسی رانان ضد استثمار که تقاضای تشکیل جبهه واحد ملی ضد استثمار را نمودند اراده شکت ناپذیر مردم تهران ابادان ران رزاه مبارزه بخاطر شکت عامل توطئه های امپریالیستی که بدست دربار و مزدوران ~~مستقیم~~ انجام میگرد نشان داد اعتصاب سياسی مجدد ۲۷ فروردین بانكوه تمام پایان بد برفت ولی نمایندگان اعتصابيون همچنان طرح تشکیل و تصویب گزارش هیئت ۸ نفری و عدم مداخله دربار در امور کنسوری و لشکری به تحسن ادامه خواهند داد جمعيت ملی مبارزه با استثمار شعبه ابادان مهذب س. ا. وحیدی

وزارت پست و تلگراف و تلفن  
شماره ۱۵۴۵۳  
۲۲/۱۱/۳۲

وزارت پست و تلگراف و تلفن ، فروردین ۱۳۳۲ ، سند ۱۶۳۵۳

شماره کتاب		کیرنده		نوع	
وزارت پست و تلگراف و تلفن		سال		۳۶۵	
تلف		خ = م		۱۳۳	
از شادگان	به ط	تعداد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول
۱۴۴	۱۴۴	۸	۱۰/۲۹		

توسط جناب آقای دکتر شایگان مجلس شورای ملی کتبه تبلیغات امروز هشتاد هزار نفر عشایر و کسبه شادگان به پشتیبانی دولت جناب آقای دکتر مصدق تعطیل کتبه کسبه در تلگرافخانه متحصن استدعا و تمنا داریم اختیارات یکساله پیشوای ملی ما را تصویب کنی طوفان زده این کشور که بدست دولت بیگانه متلاطم است بساحل نجات برسد تاخیر در دادن اختیارات موجب سوء استفاد بیگانگان است از طرف هشتاد هزار نفر عشایر و کسبه بازرگانان و اصناف شادگان حاج عبدالمحمد بهبهانی عبدالمجید اهدائی حاج محمد ارگانی رشید بهبهانی عزیز عبدالحسین کریمی محمدعلی شوشتری جاسم شوشتری مجید عبدانی سیدعلی موسوی نعمیم منصوروی محمد دزغوبلی دبیر شیمی نژاد عبدالرضا حاج شنبه عبادی .

روز دوشنبه نایبند مجلس شورای ملی  
۱۱۹۰۶  
۱۳۳۱/۱۱/۵

وزارت تلگراف ایران

۲۸

وزارت پست و تلگراف و تلفن، بهمن ۱۳۳۱، سند ۱۱۹۰۶